

روزهٔ روز عاشورا، نقد و بررسی روایات و دیدگاه‌های فقیهان

سیدحسین نوری*

۱. استادیار، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۲۶)

چکیده

دربارهٔ روزهٔ روز عاشورا بین علما اختلاف نظر وجود دارد، برخی به استحباب آن (به نیت حزن) فتوا داده‌اند و بر این نظر ادعای عدم خلاف، بلکه نقل اجماع شده، این در حالی است که برخی دیگر به حرام و بعضی هم به کراهت آن فتوا داده‌اند و بعضی هم بین کراهت و استحباب جمع کرده‌اند و گفته‌اند: روزهٔ آن مکروه و استحباب در امساک تا یک ساعت بعد از نماز عصر است و برخی به استحباب مطلق نظر داده‌اند و عده‌ای برعکس، استحباب را در ترک روزه دانسته‌اند، منشأ اختلاف روایات است که به نظر می‌رسد التباس موضوع سبب شده است که علما در صدد جمع بین روایات درآیند، ولی باید گفت: روایات ناظر به دو مقام متفاوتند، روایات جواز ناظر به قبل از واقعهٔ کربلا و روایات منع، ناظر به بعد از آن واقعه هستند و چون از یک طرف دشمنان اهل بیت(ع) در این روز به‌عنوان تبرک روزه می‌گیرند و از طرفی باید در این مصیبت محزون بود، پس باید مانند مصیبت‌زدگان امساک کرد و هنگام عصر مقداری آب و غذا خورد و از این جنبه، قول به استحباب امساک، قوی به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی

روزهٔ عاشورا، جواز، عدم جواز، نسخ، واقعهٔ کربلا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*. Email: hajseydhossain128@gmail.com

مقدمه

یکی از برنامه‌های ادیان الهی تربیت و تهذیب نفوس است، دین مبین اسلام گاهی با توجه به زمان و گاهی با عنایت به مکان و گاهی با لحاظ هر دو، احکامی را وضع کرده است تا مهار نفس آدمی در دستش باشد، اگر نفس رها شود، از ناکجاآباد سر درمی‌آورد.

یکی از مهم‌ترین عبادات که در تربیت نفس و صفای باطن بسیار تأثیر دارد، روزه است، گرچه نماز در شریعت، از نظر منزلت، از روزه بالاتر است و می‌توان از آن به کنکور عبادات یاد کرد، چنانکه در حدیث آمده است: «ان قبلت قبل ما سواه و ان ردت رد ما سواها» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۸).

یعنی شرط قبولی اعمال، این است که نماز مورد پذیرش درگاه احدیت قرار گیرد و اگر نماز مقبول واقع نشود، دیگر اعمال نیز پذیرفته نمی‌شود؛ ولی با وجود این، در روزه خاصیتی است که در نماز نیست، نماز عبادتی است که قابل رؤیت خواهد بود؛ ولی روزه پیراسته از این صفت است، روزه‌دار روزه است، ولی کسی احساس نمی‌کند و شاید به این وجه است که حضرت احدیت گفته باشد: «الصوم لی و انا اجزی به؛ روزه فقط برای من و پاداشش با من است».

آری از آدمیان عمل خواسته‌اند، اما بهترینش را، روزه از آن بهترین‌هاست، عملی بی‌ریا، بی‌هیاهو و در کمال خلوص، اما شاید عملی با این همه اهمیت و برکت، دچار عارضی بشود و حکمش را تغییر دهد، شرع مقدس در این صورت، همان‌طوری که فرمان می‌دهد، باید در مواقع ضروری جلوگیری کند.

یکی از روزه‌هایی که دچار عارض شده و مورد امر و نهی قرار گرفته، روزه روز عاشورا است که ما در این نوشتار در پی بررسی نظریات علمای عظام و روایات مربوط به روزه این روز هستیم تا وجه امر و نهی متعلق به روزه این روز معلوم شود.

اقوال علما

درباره روزه روز عاشورا چند قول وجود دارد:

استحباب روزه روز عاشورا، بر وجه حزن

شیخ طوسی هم در کتب روایی، و هم در کتب فقهی (جز نهاییه) این نظر را دارد. او در استبصار (طوسی، ۱۳۹۰: ۱۳۵)؛ تهذیب (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۲)؛ مبسوط (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۸۳) و جمل و عقود (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۰) این رأی را اختیار کرده است.

شیخ در تهذیبین می‌گوید: «هر آن که روز عاشورا را به‌عنوان حزن بر مصیب اهل بیت، روزه بگیرد، کار درستی را انجام داده است و هر کس به‌نحوی روزه بگیرد که مخالفان ما اعتقاد دارند که روزه آن روز دارای فضل و برکت است، گناه کرده و به خطا رفته است» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۲).

ابن‌زهره نیز در غنیه، روزه عاشورا بر وجه حزن را در فصل الصوم المندوب ذکر کرده است (ابن‌زهره، ۱۴۱۷: ۱۴۸) و صاحب‌جواهر از ظاهر عبارت غنیه، اجماع را فهمیده است (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۰۵).

شیخ مفید گرچه در مقنعه، در باب وجوه الصیام می‌گوید: روزه روز عاشورا بر وجه امساک مستحب است (مفید، ۱۴۱۳: ۳۶۷). ولی در باب زیارات می‌گوید: «هر کس روز عاشورا را به‌جهت تبرک روزه بگیرد، گناه کرده است و هر کس به نیت حزن روزه بگیرد، به واقع اصابت کرده و اجر و ثواب برده است، و هر کس روزه نگرفته، باید تا بعد از زوال عاشورا از خوردن و آشامیدن خودداری کند و بعد از آن مانند مصیبت‌زده‌ها غذا بخورد» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷۸).

صاحب‌نظران دیگری نیز بر این نظرند، در سرائر (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۴۱۹)؛ الجامع للشرائع (یحیی‌بن سعید، ۱۴۰۵: ۱۶۲)؛ قواعد (علامه، ۱۴۱۳: ۳۸۴)؛ تبصره (علامه، ۱۴۱۱: ۶۷)؛ کشف‌الرموز (آبی، ۱۴۱۷: ۳۰۶)؛ معالم‌الدین (حلی، شمس‌الدین، ۱۴۲۴: ۲۰۰) کفایة الأحکام (سبزواری، ۱۴۲۳: ۲۴۷)؛ مدارک (موسوی، ۱۴۱۱: ۲۶۷) و مفاتیح‌الشرائع (کاشانی، بی‌تا: ۲۸۳) همین نظر آمده است.

محقق در کتب خود: شرایع (محقق، ۱۴۰۸: ۱۸۹)؛ معتبر (محقق، ۱۴۰۷: ۷۰۹)؛ مختصر النافع (محقق، ۱۴۱۸: ۷۱)؛ الرسائل‌التسع (محقق، ۱۴۱۳: ۳۵۳) نیز همین رأی را اختیار

کرده است. وی در شرائع می‌گوید: «یکی از روزه‌های مستحب، روزه روز عاشورا بر وجه حزن بر مصیبت امام حسین(ع) است (محقق، ۱۴۰۸: ۱۸۹).

صاحب جواهر در ابتدا می‌گوید: «هشتمین مورد از موارد مستحب که هیچ خلافتی در آن نیافتیم و بلکه ظاهر غنیه، اجماع بر آن است، روزه روز عاشورا است که مراد از آن روز دهم محرم است» (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۰۵) و در نهایت بحث می‌گوید: «و به هر حال هیچ شک و تردیدی در جواز روزه روز عاشورا بر وجهی که اصحاب گفته‌اند، [یعنی علی وجه الحزن] وجود ندارد» (محقق، ۱۴۰۸: ۱۸۹).

مخفی نماند که از علمای معاصرین آیت‌الله خویی در موسوعه خود، بر آن است که روزه روز عاشورا مستحب است بالخصوص اگر به نیت حزن باشد (خویی، ۱۴۲۱: ۳۱۹) و همچنین آیت‌الله سبحانی نیز معتقدند که روزه روز عاشورا مستحب است (سبحانی، ۱۴۲۰: ۳۰۹). این در حالی است که هر دو، در توضیح المسائل به کراهت فتوا داده‌اند و محقق خویی در تعلیقه خود بر عروه الوثقی، بر نظر سید که قائل به کراهت بوده، تعلیقه‌ای نزده است.

استحباب روزه روز عاشورا مطلقاً

از ظاهر عبارت شیخ صدوق در مقنع (صدوق، ۱۴۱۵: ۱۸۱)؛ شیخ طوسی در نهایه (طوسی، ۱۴۰۰: ۱۷۰) استفاده می‌شود که روزه روز عاشورا به طور مطلق مستحب است. شیخ صدوق می‌گوید: «و اما یکی از روزه‌ای که فرد در آن مختار است ... روز عاشورا است، می‌تواند روزه بگیرد یا افطار کند» (صدوق، ۱۴۱۵: ۱۸۱).

و شیخ طوسی می‌گوید: «و روزه‌ای که در آن مختار است ... روز عاشورا» (طوسی، ۱۴۰۰: ۱۷۰).

ملاحظه می‌کنید که در این دو عبارت «علی وجه الحزن» نیامده و روزه روز عاشورا به طور مطلق و بدون هیچ قیدی مستحب دانسته شده است.

کراهت روزه روز عاشورا

صاحب عروه (یزدی، ۱۴۱۹: ۶۶۶) بر این نظر است و اکثر معاصران در رساله‌های عملیه، نیز با او موافقند؛ مانند: خمینی، ۱۴۲۶: ۹۶۷ [امام در تحریر الوسیله، متذکر این مسئله نشده

است]؛ خویی، ۱۴۱۲: ۳۰۰؛ مکارم، ۱۳۹۴: ۲۶۰؛ زنجانی، ۱۳۹۱: ۳۵۹؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۳۲۸؛ اراکی، ۱۳۷۲: ۳۱۳؛ تبریزی، ۱۴۱۵: ۳۰۴؛ سبحانی، ۱۳۸۷: ۳۳۴؛ سیستانی، ۱۴۱۸: ۳۱۹ و نوری همدانی، ۱۳۷۵: ۳۳۵.

پس مشهور نزد معاصران کراهت روزه روز عاشورا است.

حرمت روزه روز عاشورا

صاحب الحدائق این نظر را اختیار کرده است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۷۵).

آیت‌الله وحید خراسانی نیز در توضیح المسائل خود، می‌گوید: روزه روز عاشورا بنا بر احتیاط واجب جایز نیست (وحید، ۱۴۲۸: ۳۳۸).

کراهت روزه روز عاشورا و استحباب امساک تا یک ساعت بعد از نماز عصر

آیت‌الله فاضل لنکرانی این نظر را در توضیح المسائل خود، اختیار کرده است، وی می‌گوید: روزه روز عاشورا و روزی که انسان شک دارد روز عرفه است، یا عید قربان، مکروه است، ولی مستحب است در روز عاشورا انسان، بدون قصد روزه تا عصر از خوردن و آشامیدن خودداری کند (لنکرانی، ۱۳۷۳: ۲۹۰).

استحباب امساک تا یک ساعت بعد از نماز عصر

علامه در تحریر می‌گوید: «مستحب است تمام ده روز [اول محرم] را روزه بگیرد و روز دهم که شد، از خوردن و آشامیدن تا بعد از نماز عصر خودداری نماید و سپس با تربت امام حسین (ع) افطار کند» (علامه، ۱۴۲۰: ۵۰۷).

در تذکره نیز در ابتدا می‌گوید: «یستحب صوم یوم عاشوراء حزنا لاتبرکاً» و سپس بعد از ذکر روایات و استدلال به آنها می‌گوید: «إذا عرفت هذا، فإنه ينبغي أن لا يتم صوم ذلك اليوم، بل يفطر بعد العصر» (علامه، ۱۴۱۴: ۱۹۳) که از این بیان استفاده می‌شود که مستحب آن است که روزه بگیرد، ولی آن را کامل نکند.

شهید اول در دروس می‌گوید: «در روزه عاشورا بر وجه حزن و اینکه تمام روز را روزه بگیرد یا اینکه تا عصر روزه باشد یا اینکه اصلاً روزه نگیرد، روایاتی وارد شده است [ولی] باز روایت شده که عاشورا را روزه بگیر، بی‌آنکه در شب نیت روزه داشته باشی و آن را

افطار کن، بدون آنکه اهل شماتت باشی که از این روایت استفاده می‌شود ترک مفطرات مستحب است، نه اینکه روزه حقیقی مستحب باشد و این قول پسندیده است» (شهید اول، ۱۴۱۷: ۲۸۲).

شهید ثانی بعد از عبارت محقق «و صوم عاشوراء علی وجه الحزن» می‌گوید: «محقق با: "علی وجه الحزن" به این مطلب اشاره کرده که روزه روز عاشورا، روزه معتبر شرعی نیست، بلکه به معنای امساک بدون نیت روزه است، چون همان‌طور که در روایت آمده است، روزه عاشورا ترک شده است، و کلام امام صادق (ع) که می‌فرماید "روزه بگير بدون اینکه شب نیت کنی و افطار کن بدون اینکه اهل شماتت باشی، و باید افطارت بعد از نماز عصر باشد" متوجه این مطلب است، پس روزه در اینجا به معنای ترک مفطرات به این جهت که به مصیبت و حزن مشغول شده است، می‌باشد، ولی [با این وجود] مستحب است که این امساک، با نیت قرب صورت بگیرد، چون با عنوان عبادت انجام می‌شود» (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۷۸). نظر او در حاشیه مختصر النافع (شهید ثانی، ۱۴۱۴: ۶۵) و حاشیه ارشاد (شهید ثانی، ۱۴۱۴: ۳۳۰) نیز همین است.

محقق کرکی در توضیح کلام علامه در قواعد: «و عاشوراء حزنا» می‌گوید: روزه عاشورا، روزه معتبر شرعی نیست، بلکه امساک بدون نیت روزه است، چون بنا بر آنچه در روایت آمده، روزه آن ترک شده است، پس در آن روز مستحب است به عنوان حزن، تا بعد از عصر امساک شود (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۸۶).

مقدس اردبیلی نیز بر این رأی است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۹۰).

صاحب ریاض در ابتدا روزه روز عاشورا را حسن می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۶۵) و در آخر بحث استحباب امساک را پسندیده می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۶۸).

کاشف الغطاء می‌گوید: «مستحب این است که روزه روز عاشورا را تا یک ساعت بعد از نماز عصر بیشتر نگیرد و شایسته است در آن وقت با مقداری آب افطار کند» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۴۹).

علامه مجلسی در مرآة العقول می‌گوید: «اظهر نزد من این است: روایاتی که در فضیلت روزه روز عاشورا وارد شده است، بر تقیه حمل شود، و مسلّم، آنچه مستحب است، امساک

بر وجه حزن، تا عصر آن روز، نه روزه آن روز است و بعد از نقل روایت شیخ از ابن سنان در مصباح، می‌گوید: خلاصه اینکه احوط ترک روزه است مطلقاً» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۶۲). بنا بر آنچه خواهد آمد، به نظر می‌رسد این قول اقرب به صواب است.

استحباب در ترک روزه روز عاشورا مطلقاً

فیض در وافی می‌گوید: «الأولی ترک صیامه علی کل حال؛ مستحب ترک روزه روز عاشوراست، به هر نحوی که باشد» (کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۸).

البته این نظر از آخر کلام علامه مجلسی نیز قابل استفاده است.

حال که اقوال روشن شد، تذکر چند نکته لازم خواهد بود:

۱. در قول اول صاحب جواهر ادعای لاخلاف بلکه نقل اجماع بر قول به استحباب بر وجه حزن کرد، ولی ملاحظه کردید که چنین عدم خلاف و اجماعی محقق نیست، اما می‌توان شهرت این قول را ادعا کرد.

۲. شهید ثانی در توضیح کلام محقق گفت: مراد این علما از روزه عاشورا بر وجه حزن، روزه معتبر شرعی نیست بلکه مقصودشان امساک بدون نیت است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۷۸) ولی به نظر می‌رسد که این توجیه ناتمام باشد، چون از ظاهر کلام این بزرگواران برمی‌آید که مرادشان روزه گرفتن یک روز عاشورا به‌طور کامل، با نیت روزه است.

۳. شیخ در مسئله دارای دو رأی است: الف: استحباب بر وجه حزن؛ ب: استحباب مطلق.

۴. کلام علامه در تحریر و تذکره با آنچه در قواعد آمده است، سازگاری ندارد، در قواعد به استحباب روزه بر وجه حزن نظر داده، در حالی که در آن دو کتاب به استحباب مطلق ولی کامل نکردن روزه نظر داده است که البته خود مستحب بودن روزه با ناتمام کردن آن جمع‌شدنی نیست، چون فرد از اول می‌داند که نباید روزه را تمام کند و اگر چنین است، چگونه نیت روزه از او حاصل می‌شود، مگر اینکه بگوییم مراد علامه، استحباب امساک است که در این صورت، آنچه در تذکره آمده، توجیه‌پذیر است، ولی تعبیر تحریر،

تأویل‌پذیر نیست، چون گفته است: «یستحب صوم العشر بأسره، فإذا كان اليوم العاشر أمسك عن الطعام و الشراب إلى بعد العصر» (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵۰۷).

در این عبارت روز دهم، به ۹ روز اول که روزه معتبر شرعی در آنها مستحب است، عطف می‌شود و این دلالت می‌کند که روزه روز دهم نیز مستحب است، که در این صورت این اشکال پیش می‌آید که: با اینکه علم دارد که باید عصر افطار کند، چگونه نیت روزه معتبر شرعی تا آخر روز، از او متمشی می‌شود؟

۵. با توجه به تنوع اقوال مزبور، آنچه در موسوعه امام خمینی (خوبی، ۱۴۱۸: ۳۱۹) و الصوم فی الشریعه الاسلامیه الغراء (سبحانی، ۱۴۲۰: ۳۰۹) آمده است که در مسئله سه قول وجود دارد: مکروه، مندوب و محذور (همان‌طور که در موسوعه آمده) و استحباب روزه بر وجه حزن، مکروه، محذور و ممنوع (همان‌طور که در الصوم فی الشریعه ... است) خالی از تأمل نیست. خصوصاً اینکه صاحب الصوم فی الشریعه ... می‌گوید: «ما بر کسی که قائل به استحباب مطلق باشد، دست نیافتیم؛ در حالی که از بعضی روایات استحباب مطلق استفاده می‌شود» (سبحانی، ۱۴۲۰: ۳۰۹).

ولی ملاحظه شد که در قول دوم شیخ صدوق و شیخ طوسی در یکی از دو قولش، قائل به استحباب مطلق شده‌اند.

۶. همان‌طور که قول به استحباب روزه روز عاشورا بر وجه حزن مشهور است، قول به استحباب امساک و قول به کراهت نیز قائلان زیادی دارند.

اما اقوال نزد عامه

در الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت چنین آمده است: «روزه مستحب، و از جمله آن روزه ماه محرم است، که برترین روزه‌هایش روز نهم و دهم محرم می‌باشد؛ و حنفی‌ها می‌گویند: روزه این دو روز سنت بوده و مستحب نیست، و بر شما معلوم گشت که شافعیه و حنابله با این نامگذاری موافق هستند، چرا که بین سنت و مستحب فرق نمی‌گذارند، اما مالکیه چون بین مستحب و سنت فرق می‌گذارند، با این نامگذاری موافق نیستند، همان‌طور که حنفیه چنین هستند» (جزیری - غروی، ۱۴۱۹: ۷۲۱).

مستندات اقوال

مستند استحباب روزه روز عاشورا بر وجه حزن

صاحبان این نظر با حمل روایات مجوزه بر ناهیه [که در ذیل خواهد آمد] به این نتیجه رسیده‌اند که روزه روز عاشورا بر وجه حزن مستحب است.

به این بیان که بعضی از روایات، امر به روزه روز عاشورا کرده‌اند و می‌گویند: روزه آن کفاره یک سال است و روایتی هم روزه گرفتن رسول‌الله (ص) را بیان کرده است و از طرفی، بعضی دیگر از روایات از آن منع کرده‌اند و می‌گویند: هرکس آن روز را روزه بگیرد، بهره‌اش بهره بنی‌امیه و آل‌زیاد و ابن‌مرجانه خواهد و جمع این دو دسته از روایات به این است که بگوییم: روزه روز عاشورا بر وجه حزن مستحب است.

ولی بر کسی مخفی نیست که برای این وجه جمع، شاهی نمی‌توان یافت؛ بلکه شاهی که وجود دارد برخلاف آن می‌گوید و آن ذیل حدیث ۷ باب ۲۱ است که می‌گوید: برای مصیبت، روزه گرفته نمی‌شود، بلکه برای شکرگزاری از سلامت، روزه می‌گیرند؛ مصیبت امام حسین (ع) در روز عاشورا واقع شده است، اگر مصیبت زده او هستی، پس در روز عاشورا روزه نگیر و اگر از کسانی که بر او شماتت داری و سلامت بنی‌امیه برای تو مطرح است، پس به شکرانه این روز روزه بگیر.

مشاهده می‌کنید که ظاهر روایت این است که برای حزن، روزه گرفته نمی‌شود، پس چگونه می‌توان آن را شاهد جمع قرار داد؟ برعکس با توجه به روایات مجوزه (که به‌طور کامل با مخالفان موافق است) باید این دسته از روایات طرح شوند و به روایات ناهیه عمل شود، ولی نمی‌توان از آنها حرمت را استنباط کرد، چون از نظر سند ضعیف هستند.

مستند استحباب روزه روز عاشورا مطلقاً

مؤثقه ابی‌همام

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ إِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ: صَامَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَوْمَ عَاشُورَا (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۳۳۷).

بررسی سند حدیث: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ یعنی شیخ طوسی که مورد توثیق نجاشی است،

عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ مَوْرَدٍ تَوْثِيقِ نَجَاشِيٍّ اسْتِ [وِي فَطْحِي مَذْهَبِ اسْتِ] (تَرَابِي، ۱۴۳۱: ۳۱۱)؛ عَنِ يَعْقُوبِ بْنِ يَزِيدٍ مَوْرَدٍ تَوْثِيقِ نَجَاشِيٍّ وَ شَيْخِ اسْتِ (تَرَابِي، ۱۴۳۱: ۵۰۸) عَنِ أَبِي هَمَّامٍ كِه مَرَادِ اسْمَاعِيلِ بْنِ هَمَامٍ كَنْدِيٍّ بُوْدِه اسْتِ كِه فَرْدِي ثَقَه مَحْسُوبِ مِي شُوْد، پَس رَوَايَتِ بِه خَاطِرِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ مَوْثَقَه اسْتِ.

حَدِيثِ دَلَالَتِ مِي كَنْد كِه پِيَامْبِرِ اَكْرَمِ (ص) رُوزِ عَاشُورَا رَا رُوزِه گَرْفْتِه اَنْد، وَلِي چِيْزِي كِه مَسْلَمٌ اسْتِ اَيْنِ عَاشُورَا، غَيْرِ اَزِ عَاشُورَايِ وَاقَعَه كَرْبَلَاسْتِ، چُونِ دَرِ زَمَانِ رَسُوْلِ اللهِ (ص) اَيْنِ وَاقَعِه هِنُوزِ اِتْفَاقِ نِيْفْتَادِه اسْتِ.

مَوْثِقِ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَه

وَ عَنْهُ عَنِ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ أَبِيهِ أَنْ عَلِيًّا (ع) قَالَ: صَوْمُوا الْعَاشُورَاءَ التَّاسِعَ وَالْعَاشِيرَ فَإِنَّهُ يُكَفِّرُ ذُنُوبَ سَنَةِ (هَمَان، ح ۲).

سَنْدِ رَوَايَتِ: هَارُونِ بْنِ مُسْلِمٍ، مَوْرَدِ تَوْثِيقِ نَجَاشِيٍّ وَ عِلَامَه اسْتِ (حَرِ عَامَلِي، ۱۳۶۷: ۳۶۱)؛ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ مَوْرَدِ تَوْثِيقِ مَجْلِسِيٍّ اَوَّلِ اسْتِ (مَجْلِسِي، ۱۴۰۶: ۲۲۶) اَيْنِ رَوَايَتِ بَازِ مَوْثَقَه اسْتِ؛ چُونِ ضَمِيرِ دَرِ عَنَه بِه عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ بَرْمِي گَرْدَد.

اَمَا دَلَالَتِ رَوَايَتِ اَيْنِ اسْتِ كِه رُوزَه تَاسُوعَا وَ عَاشُورَا كَفَّارَه گَنَاهِ يَكِ سَالِ اسْتِ، وَلِي بَازِ دَرِ اَيْنِ رَوَايَتِ مَرَادِ اَزِ عَاشُورَا، عَاشُورَايِي نِيَسْتِ كِه دَرِ اَنِ دَاهِيَه كَبْرَا وَاقَعِ شُدِه اسْتِ.

صَحِيحَه عَبْدِ اللهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنِ جَعْفَرِ (ع) عَنِ أَبِيهِ (ع) قَالَ: صِيَامُ يَوْمِ عَاشُورَاءَ كَفَّارَةٌ سَنَةٍ. (مَجْلِسِي، ۱۴۰۶: ۲۲۶، ح ۳).

بَرْرَسِي سَنْدِ رَوَايَتِ: سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ [قَمِي]، فَرْدِي اِمَامِي، ثَقَه وَ جَلِيلِ الْقَدْرِ اسْتِ (حَرِ عَامَلِي، ۱۳۶۷: ۲۰۵)؛ أَبِي جَعْفَرٍ [مَرَادِ اَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْاَشْعَرِي] وَ اُو نِيْزِ اِمَامِي، ثَقَه وَ جَلِيلِ اسْتِ (حَرِ عَامَلِي، ۱۳۶۷: ۲۰۵، ش ۱۰۳)؛ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ [الْاَشْعَرِي] اُو هَمِ اِمَامِي ثَقَه اسْتِ (خُوْيِي، ۱۴۱۰: ۱۰۰)؛ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ، وِي مَوْرَدِ تَوْثِيقِ نَجَاشِيٍّ اسْتِ (حَرِ عَامَلِي، ۱۳۶۷: ۲۰۵). پَس رَوَايَتِ صَحِيحَه اسْتِ.

اَيْنِ رَوَايَتِ مَآنَنْدِ رَوَايَتِ قَبْلِي، دَلَالَتِ مِي كَنْد كِه رُوزَه رُوزِ عَاشُورَا، كَفَّارَه گَنَاهِ يَكِ سَالِ

است، ولی فرقی با دو روایت قبلی اینکه روایت مطلق بوده و شامل روزهٔ عاشورای قبل و بعد از واقعهٔ کربلاست.

اما با توجه به روایات منع، نمی‌توان آن را شامل روزهٔ عاشورا، بعد از واقعهٔ طف دانست، چون همان‌طور که خواهد آمد حضرات معصومین (ع) از روزهٔ آن روز نهی کرده‌اند، ولی در عین حال می‌توان از آن استفاده کرد که روزهٔ عاشورا از آن حیث که روزه است [روزه من حیث هو هو] و بدون در نظر گرفتن هیچ عارضهٔ دیگری، مستحب است.

مستند کراهت روزهٔ روز عاشورا

کسانی که بر این نظرند، روایات مانعه را بر روایات جواز حمل کرده‌اند کراهت را نتیجه گرفته‌اند، به‌ویژه اینکه روز دوشنبه، که از روزهٔ آن نهی شده است (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۳۴۲) و روز عرفه که رسول‌الله بعد از نزول ماه رمضان، روزهٔ آن را ترک کرد (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۳۴۳) به روز عاشورا عطف شده است.

به همین دلیل صاحب جواهر می‌گوید: «نهایت چیزی که از روایات منع می‌توان استفاده کرد، کراهت روزهٔ روز عاشورا است به قرینهٔ عطف روزهٔ روز دوشنبه و روزهٔ روز عرفه به آن روز است» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۳۴۳).

«روز دوشنبه روز ارتحال پیامبر (ص) است، و از روزهٔ آن نهی شده است، و در بعضی از روایات، امتناع رسول‌الله از روزهٔ عرفه گزارش شده است» (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۳۴۳).

توضیح مطلب: روایاتی در استحباب روزهٔ دوشنبه و عرفه وارد شده است و از طرفی، روایات دیگری در منع از آن وجود دارد، با حمل مانعه بر مجوزه، نتیجه کراهت خواهد بود و وقتی این دو روز، بر عاشورا عطف شوند، کراهت روزه در روز عاشورا استنباط می‌شود.

مستند حرمت و عدم جواز روزهٔ روز عاشورا

روایات ذیل مستند این قول قرار می‌گیرند:

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ جَمِيعاً أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ (ع) عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ - فَقَالَ كَانَ صَوْمُهُ قَبْلَ شَهْرِ رَمَضَانَ - فَلَمَّا نَزَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ تَرَكَ (حر عاملی، ۱۳۶۷، ح ۱).

این یک روایت نیست، بلکه دو روایت است که شیخ صدوق یکی را از زراره و دیگری را از محمدبن مسلم نقل کرده و بنا بر هر دو طریق، سند صحیح است و از نظر دلالت، ظاهرش می‌گوید که مسلمانان روز عاشورا را روزه می‌گرفتند و با آمدن ماه رمضان، روزه عاشورا ترک شده است، به عبارت دیگر با روزه ماه رمضان، روزه عاشورا نسخ شده است و قصه تبدیل اقتضا می‌کند که روزه عاشورا واجب بوده باشد، چون باید بین ناسخ (ماه رمضان واجب) و منسوخ (روزه عاشورا) سنخیت وجود داشته باشد.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَاشِمِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ (عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ) قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ صَوْمِ تَأْسُوعَاءَ وَعَاشُورَاءَ مِنْ شَهْرِ الْمُحَرَّمِ ... وَأَمَّا يَوْمُ عَاشُورَاءَ - فَيَوْمٌ أُصِيبَ فِيهِ الْحُسَيْنُ (ع) صَرِيحاً بَيْنَ أَصْحَابِهِ وَأَصْحَابِهِ صَرَغِي حَوْلَهُ أَوْ فَصَوْمٌ يَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ كَلًّا وَرَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ مَا هُوَ يَوْمٌ صَوْمٌ وَمَا هُوَ إِلَّا يَوْمٌ حُزْنٍ وَ مُصِيبَةٍ الْحَدِيثِ.

این روایت از حیث سند، به جهت حسن بن علی الهاشمی [الدینوری] که مدح و ذم نشده و محمدبن سنان ضعیف است.

ولی از حیث دلالت، بر عدم جواز روزه روز عاشورا دلالت می‌کند و روزه آن غیر از بی‌برکتی چیزی به ارمان نمی‌آورد.

۳. وَ عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ عَيْسَى أَخِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَاعَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ [قال: ... لَأَيْصَامُ وَ لَأَيْتَبْرُكُ بِهِ وَ يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ ... فَمَنْ صَامَهُمَا أَوْ تَبَرَّكَ بِهِمَا لَقِيَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَمْسُوحَ الْقَلْبِ وَ كَانَ مَحْشَرُهُ مَعَ الَّذِينَ سَنُوا صَوْمَهُمَا وَ التَّبَرُّكَ بِهِمَا. ضمير در عنه به حسن بن علی الهاشمی برمی‌گردد، پس سند روایت ضعیف است.

ولی از نظر دلالت این روایت نیز مانند روایت قبلی، بر عدم جواز روزه عاشورا دلالت می‌کند، روزه در آن روز از بدعت‌های پنی‌امیه است و هر کس به این سنت عمل کند، با بدعت‌گذاران آن محشور می‌شود.

۱. وَ عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ زَيْدِ النَّرْسِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عُبَيْدِينَ زُرَّارَةَ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ - فَقَالَ مَنْ صَامَهُ كَانَ حَظَّهُ مِنْ صِيَامِ ذَلِكَ

الْيَوْمِ حَظَّ ابْنِ مَرْجَانَةَ وَ آلِ زِيَادٍ قَالَ قُلْتُ: وَمَا كَانَ حَظُّهُمْ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ النَّارُ - أَعَاذَنَا اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَمَنْ عَمَلَ يُقَرَّبُ مِنَ النَّارِ.

بازگشت ضمیر در عنه به حسن بن علی الهاشمی است، پس سند معتبر نیست. ولی از نظر دلالت لحن آن نسبت به روایات قبلی خیلی شدیدتر است و می‌توان حرمت روزه عاشورا را از آن استنباط کرد، چون دلالت می‌کند بر اینکه هر کس آن روز را روزه بگیرد، بهره‌اش، بهرهٔ ابن‌مرجانه و آل‌زیاد است و بهرهٔ آنها چیزی غیر از آتش جهنم نیست.

۲. وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَائِ قَالَ حَدَّثَنِي نَجِيَّةُ بْنُ الْحَارِثِ الْعَطَّارُ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ - فَقَالَ صَوْمٌ مَتْرُوكٌ بِنُزُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ - وَالْمَتْرُوكُ بِدَعَةِ الْحَدِيثِ.

این روایت به جهت حسن بن علی الهاشمی و محمد بن موسی بن عیسی الهمدانی (که اهل غلو بوده) ضعیف است (رجال نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۸).

اما مدلول روایت این است که روزه عاشورا با ماه رمضان منسوخ شده و از بدعت‌های آل‌زیاد است.

شایان ذکر خواهد بود که محقق خوبی روایات ۲ تا ۵ را یک روایت دانسته، چون کلینی آنها را از یک نفر یعنی حسن بن علی الهاشمی الدینوری، نقل کرده است. ولی به نظر می‌رسد اینها چهار روایتند، چون ملاک در وحدت روایت، اتحاد راوی و مروی‌عنه است، نه وحدت واسطه و اختلاف سلسلهٔ سند، همان‌طور که در اینجا چنین است.

۳. وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبِ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ يَاسِينَ الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيْزِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَا لَا تَصُمْ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ لَا عَرَفَةَ بِمَكَّةَ - وَ لَا فِي الْمَدِينَةِ وَ لَا فِي وَطَنِكَ وَ لَا فِي مِصْرٍ مِنَ الْأَمْصَارِ.

سند روایت معتبر نیست، چون در مورد نوح بن شعیب مدح و ذمی وارد نشده است. ولی روایت بر نهی از روزه عاشورا دلالت می‌کند.

۴. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي الْمَجَالِسِ وَ الْأَخْبَارِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْقَزْوِينِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَبِشَةَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ

الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي غُنْدَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) ... قُلْتُ فَصَوْمُ عَاشُورَاءَ قَالَ إِنَّ الصَّوْمَ لَا يَكُونُ
لِلْمُصِيبَةِ وَلَا يَكُونُ إِلَّا شُكْرًا لِلسَّلَامَةِ وَإِنَّ الْحُسَيْنَ (ع) أُصِيبَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ - فَإِنْ كُنْتَ فِي مَن
أُصِيبَ بِهِ فَلَا تَصُمْ الْحَدِيثَ.

در سند عباس بن محمد بن حسین [ابن ابی الخطاب] قرار دارد و او مجهول است؛ پس
روایت از جهت سند معتبر نیست.

ولی روایت، بر نهی از روزه روز عاشورا دلالت می‌کند.

مستند کراهت روزه روز عاشورا و استحباب امساک تا عصر آن روز

مستند شاید همان حمل قبلی، به ضمیمه روایت ذیل باشد:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي الْمِصْبَاحِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَوْمَ
عَاشُورَاءَ ... فَقُلْتُ مَا قَوْلُكَ فِي صَوْمِهِ - فَقَالَ لِي صُومُهُ مِنْ غَيْرِ تَبَيُّتٍ - وَأَفْطَرُهُ مِنْ غَيْرِ
تَشْمِيتٍ - وَلَا تَجْعَلْهُ يَوْمَ صَوْمٍ كَمَلًا - وَلْيَكُنْ إِفْطَارُكَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ بِسَاعَةٍ عَلَى شَرِبَةٍ مِنْ
مَاءٍ الْحَدِيثَ (رجال نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۸، ح ۷).

در این روایت عبدالله بن سنان از امام (ع) راجع به روزه روز عاشورا سؤال می‌کند و
امام (ع) چنین جواب می‌دهند: آن روز را روزه بگیر بدون آنکه شب نیت روزه داشته باشی
و در آن روز افطار کن، بدون آنکه شماتت داشته باشی و در آن روز به‌طور کامل روزه
نگیر و بعد از نماز عصر به یک ساعت، با مقداری از آب افطار کن.

مستند قول به استحباب امساک تا بعد از نماز عصر

مستند همین روایت قبلی است که از آن، استحباب امساک در روز عاشورا فهمیده می‌شود.

مستند قول به استحباب ترک مطلقاً

فیض در وافی می‌گوید:

ترغیب به روزه روز عاشورا، موافق عامه بوده و این دلیل بر آن است که روایات مذکور
از باب تقیه وارد شده‌اند، پس شایسته است، روزه آن روز ترک شود.
روزه عاشورا با روزه ماه رمضان ترک شده و متروک بدعت است.

حدیث کثیر النواء بر تبرک به آن روز دلالت می‌کند و بر روزه در شرع ما دلالت نمی‌کند و این مخالف با تأویل شیخ در دو کتاب تهذیب و استبصار است. این حدیث دلالت می‌کند که ولادت ابراهیم خلیل (ع) در روز عاشورا بوده و حال آنکه ولادتش در اول ذی‌الحجه یا بیست و پنج ذی‌القعدة بوده است. این حدیث از نظر سند مخدوش است، چون کثیر النواء بتری و عامی بوده و روایت شده که امام صادق (ع) از او برائت جسته و فرموده است: «خداوندا از کثیر النواء به تو پناه می‌جویم، در دنیا و آخرت از او بری هستم» (کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۷). و در نهایت می‌گوید: اگر ترغیب به روزه این روز را بر امساک از مفطرات در بیشتر روز حمل کنیم و اینکه تا شب روزه گرفته نشود، بهتر خواهد بود، آن‌گاه روایت شیخ از عبدالله بن سنان در کتاب «مصباح‌المتهجد» را به‌عنوان دلیل ذکر می‌کند (کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۷).

نتیجه‌گیری

از روایات چند عنوان استفاده می‌شود:

استحباب روزه روز عاشورا مطلقاً.

عدم جواز روزه روز عاشورا مطلقاً.

عدم جواز روزه روز عاشورا به نیت تبرک.

استحباب امساک بدون نیت روزه.

که اقوال علما بر پایه همین روایات است، ولی قول به استحباب روزه تمام روز عاشورا به نیت حزن، در هیچ روایتی نیامده و قول به کراهت، از حمل روایات منع بر جواز استفاده شده است.

حال که این دانسته شد، باید بگوییم روایت ۱ از باب ۲۰ که از نظر سند موثقه و استنادش دنی است، روزه رسول‌الله (ص) در روز عاشورا را گزارش می‌کند که البته روزه حضرت شاید بر وجه وجوب یا استحباب بوده باشد، همان‌طوری که امکان دارد قبل از آمدن ماه رمضان یا بعد از آن بوده باشد؛ چون می‌فرماید: «صام رسول‌الله یوم عاشورا» و این مطلق است و شامل همه این صور می‌شود، ولی با توجه به روایت ۱ باب ۲۱ باید روزه حضرت را

بر وجه وجوب حمل کرد، چون آن روایت می‌گوید: با آمدن رمضان، روزه عاشورا نسخ شد و سنخیت ناسخ و منسوخ ایجاب می‌کند که همان‌طوری که ناسخ (ماه رمضان) واجب است، منسوخ (روزه عاشورا) نیز واجب باشد و باز با توجه به همان روایت، باید گفت روزه آن حضرت قبل از آمدن ماه رمضان بوده است، چون بعد از آمدن آن، روزه عاشورا ترک شده، و متروک با عنایت به روایت ۵ همان باب، بدعت است و بدعت حرام خواهد بود، ولی روایت ۲ باب ۲۰ احتمال روزه گرفتن در روز عاشورا در بعد از ماه رمضان را تقویت می‌کند، همان‌طور که صحیح‌ه عبدالله بن میمون نیز همین را افاده می‌کند؛ چون در هر دو روایت، روزه عاشورا در زمان ائمه (ع) ذکر شده و مسلم اینکه روزه مذکور، بعد از تشریح ماه رمضان است و از آنجایی که روزه‌های واجب و حرام در شرع معلوم هستند و روزه عاشورا از آنها نیست (چون اگر از موارد حرام بود، بر افرادی مثل زراره و محمد مسلم، مخفی نمی‌ماند تا درباره آن سؤال کنند) پس روزه گرفتن در آن روز باید بر وجه استحباب باشد.

بنابراین با توجه به روایات جواز که از نظر سند موثق یا صحیحند، جواز بلکه استحباب روزه روز عاشورا ثابت است و روایت جعفر بن عثمان (ح ۴ باب ۲۰) که عمل رسول الله (ص) با نوزادان فاطمه (س) در روز عاشورا را گزارش می‌کند و از آن برمی‌آید که حضرت (ص) به عدم تناول طعام آن بچه‌ها در آن روز، بسیار اهمیت می‌دادند، به‌ویژه ذیل روایت که می‌گوید: «در این روز حتی وحوش در زمان حضرت داود (ع) روزه می‌گرفتند» اهمیت روزه این روز را می‌رساند، همان‌طور که از روایت کثیر النواء استفاده می‌شود که روزه روز عاشورا در زمان حضرت نوح (ع) نیز مورد امر آن حضرت بوده است، البته این دو روایت از نظر سند فاقد اعتبارند (اولی به‌جهت یونس بن هاشم که مدح و ذم نشده و دومی به‌جهت کثیر النواء که عامی و بتری بوده و امام صادق از او تبری جسته است) ولی به‌عنوان مؤید می‌توان از آنها استفاده کرد.

و این استحباب از روایت زهری از امام سجاد (ع) قابل استفاده است، چون در آن می‌خوانیم که فرد می‌تواند آن روز را روزه بگیرد، یا آن را ترک کند و استحباب چیزی غیر از این نیست؛ البته زهری عامی است و گرچه نزد آنها موثق است، نزد ما چنین نیست. اما با وجود این می‌توان از آن به‌عنوان مؤید استفاده کرد.

پس از آنچه گذشت می‌توان قول به استحباب به‌طور مطلق را اقرب به صواب دانست. اما از طرفی همین روز عاشورا، در واقعه کربلا و داهیه عظمی، با شهادت آن رادمرد تاریخ، یعنی جگرگوشه رسول الله (ص) سیدالشهداء (ع) مصادف شده است، که در این صورت ناپاکان بنی‌امیه و آل‌زیاد و ابن‌مرجانه به شکرانه این پیروزی و به‌عنوان تبرک، روز عاشورا را روزه گرفتند و به آن وجهی شرعی دادند و مستحب قلمدادش کردند، حضرات معصومین (ع) برای جلوگیری از خلط موضوع و اینکه این همان روزه پیامبر (ص) و روزه مورد امر امیرالمؤمنین (ع) است، از آن به‌شدت منع و به‌صراحت بیان کرده‌اند: آن کس که در این روز بر وجه تبرک روزه بگیرد، با بنی‌امیه و آل‌زیاد و ابن‌مرجانه محشور خواهد شد. ولی با وجود این نمی‌توان این دسته روایات را با روزه روز عاشورا از آن جنبه که روزه است، مخالف دانست؛ چون تنها از روزه با نیت تبرک (نه مطلق روزه) جلوگیری می‌کند. برای توضیح بیشتر و روشن‌تر شدن موضوع، باید بگوییم: اگر به روایات ناهیه نظر شود، آنها به دو گونه هستند:

روایاتی که می‌گوید: روزه عاشورا منسوخ و منسوخ بدعت است و نباید مورد عمل واقع شود.

روایاتی که به روزه تبرک بنی‌امیه و همکیشان آنها در روز عاشورا و همچنین مصیبت وارد شده بر اهل بیت (ع) در آن روز اشاره می‌کند،

دسته اول معارض دارد، معارض آن صحیحہ عبدالله بن میمون است که از آن استحباب روزه روز عاشورا به‌طور مطلق استفاده می‌شود، پس نمی‌توان قائل به نسخ شد و دیگر آنکه نسخ خلاف اصل است.

دسته دوم ناظر به اصل روزه عاشورا نیست یعنی ناظر به روزه از آن حیث که روزه است، نیست، بلکه ناظر به روزه تبرک بنی‌امیه و مصیبت وارد شده بر اهل بیت (ع) است. ائمه اطهار (ع) از روزه تبرک، براءت جستند و از آن نهی کرده‌اند تا تصور نشود این روزه، همان روزه رسول الله (ص) در روز عاشورا است و در مورد مصیبت گفته‌اند: کسی در مصیبت روزه نمی‌گیرد، بلکه مصیبت‌زدگان تنها از غذا خوردن امتناع می‌کنند، چون میل به

آن ندارند؛ به عبارت دیگر آدمی به شکرانه چیزی روزه می‌گیرد و در کشتن حسین بن علی (ع) چه شکری وجود دارد که به خاطر آن باید روزه گرفت، در آن روز باید مصیبت زده بود و طبیعت مصیبت، امتناع از اکل و شرب است و به همین جهت است که از روزه دوشنبه نهی کرده‌اند، چون رحلت پیامبر اکرم (ص) در آن روز اتفاق افتاده است و عالم وجود باید برای او محزون و مصیبت زده باشد، و روی این جنبه در روایت ۳ باب ۲۱، عاشورا به روز دوشنبه همانند شده است؛ یعنی روزه روز دوشنبه بعد از آنکه استجابش اجماعی است (مغنیه، ۱۴۲۱: ۲۵۹) در روایت مذکور از آن منع شده است و بنابراین، وجه شباهت بین این دو روز، مصیبت وارد شده بر معصومین خواهد بود، و همین وجه سبب منع از روزه، در هر دو روز شده است (وگرنه اگر این مانع نبود، روزه هر دو بلا مانع بود) و این بود وجه عطف عاشورا به دوشنبه.

علاوه بر این عطف، عطف دیگری در بعضی روایات مشاهده می‌شود، در بعضی از آنها عرفه به عاشورا نیز عطف شده و از روزه هر دو منع شده و جهتش این است که از هر آنچه به دعا در روز عرفه و مراسم مصیبت امام حسین (ع) در روز عاشورا ضرر می‌رساند، باید خودداری کرد، یعنی باید مراسم روز عاشورا را با قوت انجام داد، به طوری که اگر روزه موجب خستگی و ملال شود باید آن را ترک کرد، همان طور که اگر در روز عرفه، روزه موجب بی حالی در دعا شود، باید ترک شود و به همین علت در حدیث ۶ باب ۲۱ نهی از روزه عرفه، به منع از روزه عاشورا عطف شده است، وگرنه روزه عرفه اگر موجب بی حالی در دعا نشود، مورد منع نیست؛ همان طور که اصل روزه عاشورا منعی ندارد.

حاصل آنکه روزه روز عاشورا از آن جنبه که روزه است و بدون لحاظ هیچ مانع دیگری، جایز بلکه مستحب است؛ اما با توجه به مانعی که بعد از واقعه کربلا پیش آمد و آن اینکه بنی امیه در این روز روزه تبرک می‌گرفتند، هر کس روز عاشورا را بر وجه تبرک، یا به نحو شباهت به این ارجاس انجاس روزه بگیرد، کافر است و بلکه کفری بالاتر از آن یافت نمی‌شود. در دوران ما چون از روزه روز عاشورا بعد از واقعه کربلا، عنوان تشابه انتزاع می‌شود و از طرف دیگر باید با اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بر مصیبت آن حضرت محزون بود، عمل به روایت شیخ طوسی در کتاب مصباح از عبدالله بن سنان کاملاً موجه خواهد بود.

عبدالله بن سنان می‌گوید: در روز عاشورا بر ابی‌عبدالله(ع) وارد شدم، حضرت را در حالی دیدم که اشک‌هایش مانند لؤلؤ از چشمانش سرازیر بود، عرض کردم بر چه چیزی گریه می‌کنی؟ حضرت فرمود: مگر شما غافل‌ی؟ مگر نمی‌دانی که مصیبت حسین(ع) در این روز واقع شده است؟ از حضرت(ع) راجع به روزهٔ آن روز سؤال کردم، حضرت(ع) به من فرمود: آن روز را روزه بگیر، بدون آنکه در شب نیت روزه داشته باشی، و آن را افطار کن، بی‌آنکه اهل شماتت باشی و آن روز را به‌طور کامل روزه نگیری [بلکه] بعد از یک ساعت از نماز عصر گذشته، با مقداری آب افطار کن، چون در همین وقت، در آن روز، از اهل بیت علیهم‌السلام دست برداشتند (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۳۳۸).

و از همین جا می‌توان چنین نتیجه گرفت که حمل روایات مجوزه بر تقیه (همان‌طور که صاحب حدائق انجام داده است) بی‌وجه خواهد بود، چون روزهٔ پیامبر(ص) و امر امیرالمؤمنین(ع) قبل از واقعهٔ کربلا بوده و ربطی به روزهٔ عاشورای مورد نظر بنی‌امیه و ابن‌مرجانه و آل‌زیاد ندارد تا بر تقیه حمل شود.

همان‌طور که استحباب روزهٔ عاشورا بر وجه حزن (چنانکه شیخ طوسی و محقق گفته‌اند) وجهی ندارد، چون در زمان رسول‌الله(ص) و امر امیرالمؤمنین(ع) کربلایی واقع نشده است تا بر این وجه حمل شود، علاوه بر این، اثری از این حمل در روایات یافت نمی‌شود.

با این بیان، قول به کراهت نیز ناتمام خواهد بود، چون از روایات منع آن که صلاحیت حمل بر کراهت دارد، همان روایت نسخ است (روایت زراره و محمدبن مسلم) و ما ثابت کردیم قصهٔ نسخ منتفی است، در نتیجه با روایات جواز تعارضی پیش نمی‌آید تا حمل منع بر جواز شود و اما روایات تبرک به کلی قابلیت حمل بر کراهت ندارد، چون آن که به نیت تبرک روزه بگیرد، عملش مکروه نیست؛ بلکه عمل او حرام و بالاترین کفر است.

خلاصه اینکه در روز عاشورا، باید از چیزی که موجب شباهت به مخالفان و معاندان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) می‌شود، خودداری کرد و تنها باید مانند مصیبت‌زدگان از خوردن و آشامیدن امتناع داشت و به این دلیل به‌نظر می‌رسد که قول به استحباب امساک، از قوت بیشتری برخوردار است.

۱۲. حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷ ق). *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*، ج ۱، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۳. حلبی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ج ۳، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۱۴. حلبی، شمس‌الدین محمد بن شجاع القطنان (۱۴۲۴ ق). *معالم الدین فی فقه آل یاسین*، ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۵. حلبی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ق). *قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۱۶. _____ (۱۴۲۰ ق). *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة*، ج ۶، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۷. _____ (۱۴۱۴ ق). *تذکره الفقهاء*، ج ۱۴، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۱۸. _____ (۱۴۱۱ ق). *تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین*، ج ۱، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. حلبی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). *سرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج ۴، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۰. _____ (۱۴۰۷ ق). *المعتبر فی شرح المختصر*، ج ۲، قم: مؤسسه سیدالشهداء (ع).
۲۱. _____ (۱۴۱۸ ق). *المختصر النافع فی فقه الإمامیة*، ج ۲، چاپ ششم، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
۲۲. _____ (۱۴۱۳ ق). *الرسائل التسع*، ج ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۲۳. حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ق). *الجامع للشرائع*، ج ۱، قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمية.
۲۴. خراسانی، حسین وحید (۱۴۲۸ ق). *توضیح المسائل*، ج ۱، چاپ نهم، قم: مدرسه امام باقر(ع).
۲۵. خمینی، سید روح‌الله موسوی (۱۴۲۶ ق). *توضیح المسائل*، بی‌جا: بی‌نا.
۲۶. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *معجم رجال الحديث*، ج ۲۳، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
۲۷. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ ق). *موسوعة الإمام الخوئی*، ج ۳۳، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
۲۸. زنجانی، سید موسی شبیری (۱۴۳۰ ق). *توضیح المسائل*، قم: انتشارات سلسبیل.
۲۹. سبزواری، محقق، محمد باقرین محمد مؤمن (۱۴۲۳ ق). *کفایة الأحكام*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۸ ق). *توضیح المسائل*، چاپ سیزدهم، قم: انتشارات سرور.
۳۱. شیرازی، ناصر مکارم (۱۴۲۴ ق). *توضیح المسائل*، چاپ دوم، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع).
۳۲. طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن (۱۳۹۰ ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۳. _____ (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الأحكام*، ج ۱۰، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۴. _____ (۱۳۸۷ ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*، ج ۸، چاپ سوم، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳۵. _____ (۱۴۰۰ ق). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى*، ج ۱، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی.
۳۶. _____ (۱۳۸۷ ق). *الجمال و العقود فی العبادات*، ج ۱، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۷. عاملی، حر، محمدبن حسن (۱۳۶۷). *وسائل الشیعه*، ج ۲۰، چاپ ششم، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۳۸. عاملی، شهید اول، محمدبن مکی (۱۴۱۷ ق). *الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة*، ج ۳، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۹. عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). *مسالك الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام*، ج ۱۵، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۴۰. _____ (۱۴۱۴ ق). *حاشیة الإرشاد*، ج ۴، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۱. _____ (۱۴۲۲ ق). *حاشیة المختصر النافع*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۲. عاملی، محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، ج ۱۳، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۴۳. عاملی، محمدبن علی موسوی (۱۴۱۱ ق). *مدارك الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام*، ج ۸، لبنان: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۴۴. قمی، صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۱۵ ق). *المقنع*، قم: مؤسسه امام هادی (ع).
۴۵. کاشانی، فیض، محمد محسن (۱۴۰۶ ق). *الوافی*، ج ۲۶، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).
۴۶. _____ (بی تا). *مفاتیح الشرائع*، ج ۳، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۴۷. لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۶ ق). *رساله توضیح المسائل*، قم: صدوچهاردهم.
۴۸. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ ق). *الفقه علی المذاهب الخمسة*، ج ۲، چاپ دهم، بیروت: دارالتیاریت جدید - دار الجواد.
۴۹. نجاشی، احمدبن علی (۱۴۰۷ ق). *رجال النجاشی*، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۵۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۴۳، چاپ هفتم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۵۱. نجفی، کاشف الغطاء، جعفر (۱۴۲۲ ق). *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*، ج ۴، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم.
۵۲. نوری همدانی، حسین (۱۳۷۵ ق). *توضیح المسائل*، چاپ نهم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم.
۵۳. یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹ ق). *العروة الوثقی*، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.

